

■ ■ عین الأنسب للجواب عن الترجمة أو المفهوم من أو إلى العربية (۲۶ - ۳۰)

۲۶- ﴿يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾:

- ۱) در آفریدن آسمان و زمین فکر می‌کنند، خدای ما اینها را بی‌هدف نیافریدی!
 - ۲) در آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند، خداوندا این را بیهوده خلق نکردی!
 - ۳) در آفریدن آسمان و زمین تفکر می‌کنند، یعنی که خدایا این را باطل نیافریده‌ای!
 - ۴) می‌اندیشند که آسمانها و زمین را خلق کرد، ای خدای ما اینها را برای باطل خلق نکرده‌ای!
- ۲۷- « لَا تَكُلْ مَا لَا عِلْمَ لَكَ بِهِ، زَيْمًا يُسَبِّبُ لَكَ مَشَاكِلًا وَ تَلْمِزَ عَلَيْهِ، فَلَا يَدَّ أَنْ تَصِفْتَ أ:»

- ۱) آنچه را که به آن هیچ علمی نداری مگو، چه بسا باعث مشکلاتی برایت شود و از آن پشیمان شوی، پس ناچار باید ساکت شوی!
- ۲) از آنچه که بدان علمی نداری حرف نزن، چه بسیار سبب مشکلات برای تو می‌شود و از آن پشیمان شده؛ مجبور به سکوت شوی!
- ۳) راجع به چیزی که هیچ علمی بدان نداری حرف نزن، بسیار مشکلات برایت می‌آورد؛ و از آن نادم شده ناگزیر سکوت خواهی کرد!
- ۴) چیزی را که نسبت به آن علمی نداری مگو، مشکلات بسیاری را سبب می‌شود پس پشیمان خواهی شد؛ و چاره‌ای جز سکوت نخواهی داشت!

۲۸- « تَبْتَدِئُ الْمَدْرَسَةَ بِتَعْطِيمِ الْكُتُبِ، وَبَعْنِ الْحَيَاةِ تَبْدَأُ بِالْامْتِحَانِ ثُمَّ تُنْزِلُ الدَّرُوسَ أ:»:

- ۱) مدرسه را با یاد گرفتن کتابها شروع می‌کنند اما زندگی‌مان با امتحان شروع شده سپس درسها داده می‌شوند!
- ۲) مدرسه با یاد دادن کتابها شروع شده، اما در زندگی امتحان را آغاز می‌کنیم سپس درسها داده می‌شوند!
- ۳) مدرسه را با آموختن کتابها شروع می‌کنیم، ولی زندگی با امتحان شروع می‌شود سپس درسها را می‌دهند!
- ۴) مدرسه با آموزش کتابها شروع می‌شود، ولی زندگی با امتحان آغاز می‌کند سپس درسها را می‌دهند!

۲۹- « حُوِّدَ نَفْسُكَ بِأَنْ تُكَلِّمَ النَّاسَ بِلِسَانٍ لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ، وَ إِلَّا يُمَكِّنَ أَنْ تَقَعَ فِي مَوْضِعِ التُّهْمَةِ أ:»:

- ۱) به نفس خود برگرد تا با مردم با نرمی سخن بگویی و در موردی که بدان آگاهی نداری، دخالت نکنی و الا ممکن است در جایگاهی از اتهام قرار گیری!
- ۲) خود را عادت بده به اینکه با زبان نرم با مردم سخن بگویی و در موضوعی که به آن علمی نداری دخالت نکنی، وگرنه امکان دارد در موقعیت اتهام قرار گیری!
- ۳) خودت را عادت بده که با مردم به نرمی حرف بزنی و در موضوعی دخالت نکنی وقتی بدان آگاهی نداری، و الا ممکن است که در موقعیت تهمت زدن قرار بگیری!
- ۴) به درون خود برگرد برای اینکه با مردم با زبانی نرم حرف بزنی و در موردی که برای تو علمی نیست، دخالت نکنی وگرنه امکان دارد در موضع تهمت قرار بگیری!

- ۳۰- « تلك الأنوبة البحرية الذکوة التي كانت تتكلم مع أصدقاتها بأصوات خلصة استطاعت أن تؤدي دوراً مهماً في بحثنا البحري! »:
- ۱) آن پستاندار دریایی باهوش که با صداهایی خاص با دوستانش صحبت می‌کرد توانست نقش مهمی در پژوهش دریایی ما ایفا کند!
 - ۲) آن، پستاندار دریایی باهوشی بود همان که با دوستانش با صداهای ویژه‌اش حرف می‌زد، او قادر به ایفای نقشی مهم در تحقیقات دریایی ما بود!
 - ۳) آن، پستاندار دریایی باهوش است که با هموعانش با صوتهای ویژه خود سخن می‌گفت، و توانست در پژوهش ما در دریا نقشی مهم بازی کند!
 - ۴) آن پستاندار دریایی باهوشی که می‌توانست با صوتهایی خاص با هموعانش تکلم کند، قادر خواهد بود در تحقیقات ما در دریا نقش مهم داشته باشد!
- ۳۱- « هناك شجرة في الجنوب تكف من بداية حياتها حول جذع و غصون شجرة لخرى، و هي حية بهذا الالتفاف! »:
- ۱) آنجا در جنوب تک درختی است که از آغاز زندگی خود پیرامون تنه و شاخه‌های درختی دیگر می‌پیچد، و تنها بوسیله این پیچیدن زنده است!
 - ۲) درختی در جنوب وجود داشت، این درخت از آغاز زندگی خود پیرامون تنه یک درخت دیگر و شاخه‌هایش می‌پیچید و بوسیله آن زنده می‌ماند!
 - ۳) درختی در جنوب وجود دارد که از ابتدای زندگیش دور تنه و شاخه‌های درختی دیگر می‌پیچد، و آن به این پیچیدن زنده است!
 - ۴) آنجا در جنوب تک درختی هست که از شروع زندگیش دور تنه و شاخه‌های یک درخت دیگر پیچیده است، و بسبب این پیچیدن زنده مانده!
- ۳۲- « الكتب تجربة الأمم و ثمره آلهب من الأفكار و تزيد قوة فهم و درك الإنسان و ثمرته مفكرين فضلاء! »:
- ۱) کتابها تجربه امتها و ثمره هزاران نوع اندیشه است و با آن نیروی دریافت و درک انسان افزون می‌شود و مفکرین اندیشمندی پرورش می‌دهد!
 - ۲) کتب تجربه ملتها و میوه هزاران اندیشه‌ایست که قوت دریافت و ادراک انسان به آن زیاد می‌شود و متفکران فاضل را پرورش می‌دهد!
 - ۳) کتب تجربه امتها و ثمره هزاران نوع فکر هستند و بر قوت فهم و ادراک انسان می‌افزایند و متفکرین اندیشمند را می‌پروراند!
 - ۴) کتابها تجربه ملتها و میوه هزاران فکر هستند و نیروی فهم و درک انسان را زیاد می‌کنند و متفکران فاضلی را می‌پروراند!
- ۳۳- عین الخطأ:
- ۱) المرء القوي يعمل و الضعيف يتعلم: انسان نیرومند عمل می‌کند و انسان ضعیف آرزو می‌کند!
 - ۲) الحياة بلا عمل كمثل حمل الإنسان على نفسه: زندگی بدون عمل چون بار سنگینی است که انسان آن را بر خود تحمیل می‌کند!
 - ۳) علينا أن نكون نقادين للكلام حتى نأخذ كلمة الحق من أي شخص: ما باید از نقدکنندگان سخن باشیم تا سخن حق را از افراد گرفته باشیم!
 - ۴) المعرفة كالشجرة لا تنضج يوماً بعد يوم بل تنمو كل يوم: معرفت چون درخت است که روز به روز کوچک نمی‌شود بلکه هر روز رشد می‌کند!

۳۴- عین الخطأ:

- ۱) تُسمى كل مادة قابلة للاشتعال الوقود، الذي يستخدمه الإنسان للطبخ أكثر: هر ماده قابل اشتعالی را سوخت می‌نامیم، و انسان آن را بیشتر برای پختن بکار می‌برد.
- ۲) نحن لنتقع اليوم بالطاقة الكهربائية و الطاقة الشمسية كالوقود: امروزه ما از انرژی الکتریکی و انرژی خورشیدی بعنوان سوخت بهره‌مند می‌شویم.
- ۳) و لايزال الإنسان يكشف ما يُسهل شؤون حياته: و انسان همواره آنچه که امور زندگی‌اش را آسان می‌کند کشف می‌کند.
- ۴) فليس بعيداً أن نجد طاقاتٍ أخرى تصبح مصدراً حديثاً: پس بعید نیست که انرژی‌های دیگری را بیابیم که منبع جدیدی بشوند!

۳۵- « کیست آنکه خورشید را در فضا چون شراره‌ای ایجاد کرده است! ». عین الصحیح:

- ۱) من هو الذي خلق الشمس في الفضاء مثل الشررة!
- ۲) من ذا الذي أوجد الشمس في الجو مثل شررة!
- ۳) من الذي أوجد شمسا في الفضاء كالشررة!
- ۴) من هذا الذي خلق شمسا في الجر كشررة!

■ ■ إقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة (٣٦ - ٤٢) بما يناسب النص:

إن عملاً صالحاً واحداً يصدر عن إنسان لا يدل على أنه امرؤ فاضل، لأن الخير في الناس مفروض وجوده خلقاً لا تخلقاً فمن كان خلقه فضلاً انعكست لخلقته على أفعاله فلا تخلو أصالة من آثار الخير. إن النفس الميالة إلى الخير و السبالة إلى المعصيات لا يسهل لها ارتكاب السوء بل تحب أن تهلل بيدها ما يتفح للناس، أ طلبه الناس أم لا، و سواء انتشرت أخبار خيراته أم لا لأنه رأى نعمته على حب الخير.

و في هذا المجال تُشاهد المؤمنين الذين يعملون للخير فبعضهم ينظرون إلى عملهم نظرة التجار فيريدون به اكتساب الرزق فيطلبون الجنة، و بعض الآخرين منهم يخافون الإفلاس و الضرر فيجتنبون نار جهنم؛ ولكن هناك جماعة منهم، و إن كان عددهم قليلاً، لكنهم يفعلون الخير فضلاً لا تفضلاً، فمصدر خصالهم قلوبهم المؤمنة!

۳۶- عین الصحیح: الغرض من النص هو

- ۱) تقبیح السيئات و تجمیل الحسنات.
- ۲) تشجیع الناس بالقيام بالخیرات ولو مرة.
- ۳) غرض شجرة الحسنات في قلب الإنسان.
- ۴) تبیین غایات الخیر و الشر في أفعال الإنسان.

۳۷- عین ما ليس مقصوداً من العبارة التالية: « إن الخير في الناس مفروض وجوده خلقاً لا تخلقاً »

- ۱) لا فائدة في سبيل إكراه الآخرين على القيام بالحسنات فإنها تحتاج إلى أرض صالحة.
- ۲) أثر أعمال الخير يجب أن يظهر في ظاهر الإنسان و خلقته.
- ۳) بذور الخير إن لم تكن في ترابك فلا تثمر ثمراتٍ نصرة.
- ۴) زُيماً تُجبر نفسك على الخير فلا لذة فيه.

٣٨- عَيْن ما ليس مصدر تشجيع بعض المؤمنين على القيام بالخير:

- (١) الشهرة بين الناس
(٢) الحصول على الثواب
(٣) الخوف من النار
(٤) خالص وجودهم

٣٩- عَيْن ما لايناسب مفهوم النص:

- (١) لا تَرْضَ من الناس غير طبائعهم و طبيعتهم
(٢) إن زهرة واحدة تفتتح في وقت لا يدل على طول الزرع
(٣) فلتعمل النفس الجميل لأنه خير و أحسن، و الإله يحبه
(٤) إذا مر بي يوم و لم أتحذ يدًا و لم استعد علفًا، فما ذاك من عمري!

■ عَيْن الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي (٤٠ - ٤٢)

٤٠- « إنتشرت »:

- (١) ماضي - للمفرد المؤنث القائب - مزيد ثلاثي بزيادة حرفين / فعل و فاعله « أخبار »
(٢) فعل ماضي - للمفرد المؤنث - مزيد ثلاثي (من باب انفعال) / فعل و فاعله « أخبار »
(٣) ماضي - للغائبة - مزيد ثلاثي (له حرفان زلاندان) - لازم / فعل و مع فاعله: جملة فعلية
(٤) فعل ماضي - مزيد ثلاثي (من باب الفتحال) - لازم / فعل و فاعله « أخبار » و الجملة فعلية

٤١- « تُشاهد »:

- (١) فعل مضارع - ماضيه « شاهد » على وزن « فاعل » - متعد - معلوم / فعل و مع فاعله جملة فعلية
(٢) مضارع - مزيد ثلاثي بزيادة حرف واحد من باب مفاعلة / فعل و مفعوله « المؤمنين » منصوب بالياء
(٣) فعل مضارع - للمتكلم مع الغير - متعد - معلوم / فعل و مع فاعله جملة فعلية، و « المؤمنين » مفعوله
(٤) مضارع - للمتكلم مع الغير - مزيد ثلاثي (من باب مفاعلة) / فعل و فاعله « المؤمنين » و الجملة فعلية

٤٢- « الميالة »:

- (١) مفرد مؤنث - معرّف بأل - معرب / منصوب بالتبعية
(٢) مفرد مؤنث - اسم مبالغة - معرّف بأل / صفة و الموصوف « النفس »
(٣) اسم - مفرد مؤنث - اسم مبالغة - معرّف بأل - معرب / خبر « إن » و مرفوع
(٤) اسم - مؤنث - معرّف بأل - معرب / صفة و منصوب بالتبعية للموصوف « النفس »

■ ■ عَيْن المناسِب للجواب عن الأسئلة التالية (٤٣-٥٠)

٤٣- عَيْن الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (١) عَلَيْنَا أَنْ لَا نَتَكَبَّرَ عَلَى الْآخِرِينَ، لِإِنَّ اللَّهَ لِأَجِبُّ الْمُتَكَبِّرِينَ!
(٢) فِي إِيرَانٍ تَرَوَاتُ كَثِيرَةً فِي بَاطِنِ الْأَرْضِ، بِلَانُنَا غَنِيَّةً بِاللُّقْطِ!
(٣) قَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ ذَعَاكَ إِلَى مَأْذِبَةٍ فَأَمْرَعَتْ لِيهَا!
(٤) نَسْتَطِيعُ الْجِرْيَاءُ أَنْ نُكَيِّرَ عَيْنِيهَا فِي أَتْجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ نُحْرِكَ رَأْسَهَا!

٤٤- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاقَاتِ: « ... مِنَ الصُّعْبِ ... تُحِبُّ صَدِيقَكَ حُبًّا ... مِنَ الصُّعْبِ ... تَجِدُ الصَّدِيقَ الَّذِي يَسْتَحِقُّ هَذَا الْحُبَّ! »

- (١) أَنْ، أَنْ، وَ كَانَ، أَنْ
(٢) إِنَّ، أَنْ، لَيْسَ، أَنْ
(٣) لَيْسَ، إِنَّ، لَيْتَ، إِنَّ
(٤) لَيْسَ، أَنْ، وَلَكِنْ، أَنْ

٤٥- عَيْنُ الْخَطَا عَنْ مَا يُعَادِلُ الْمَفْهُومَ:

- (١) ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ ← رُوغْن رِيخْتِه رَا نَذْر اِمَامَزَادِه كَرْدَن!
(٢) ﴿لَنْ نُرْزِقَكُمْ وَ اِيَّاهُمْ﴾ ← هَر اَنْ كَسْ كِه دَنْدَان دَهْد نَان دَهْدَا
(٣) ﴿اِنْ اَحْسَنْتُمْ اَحْسَنْتُمْ لَانْفُسِكُمْ﴾ ← نِيَك رَا پَسَخْ جَز نَكُو نِيَسْتَا
(٤) ﴿وَ اِذَا مَرَّوْا بِاللُّغُوِّ مَرَّوْا كِرَامًا﴾ ← شَتْر دِيْدِي نَدِيْدِي

٤٦- عَيْنُ مَا فِيْهِ اسْمُ الْمِبَالِغَةِ:

- (١) اِنَّ الْخَفَاشَ مِنَ الطَّيْرِ الَّتِي لَا تُطِيرُ اِلَّا فِي اللَّيْلِ!
(٢) اِحْدَى صَدِيقَاتِي غَسَّالَةٌ اَيْدِيهَا، وَ هِيَ تُظَلُّنُ اَنْهَا لَمْ تُنْظَفْ!
(٣) اِنَّ الرِّمَانَ مِنَ الْفَوَاكِهِ الْاَلْيِزَّةِ فِي فَصْلِ الْخَرِيفِ وَ الشِّتَاءِ!
(٤) لَا يَذْهَبُ الرِّوَارُ اِلَى الْاَمَاكِنِ غَيْرِ الْمَشْهُورَةِ اِلَّا قَلِيْلًا مِنْهُمْ!

٤٧- عَيْنُ اسْمًا عَلَامَةً رَفَعَهُ « الْاَلْفُ »:

- (١) لَا يَصِلُ عَدُوُّ اَسْنَانَ الْعَطْفَلِ اِلَى عَشْرِيْنَ سَلًا اِلَّا بَعْدَ سَلْتَيْنِ مِنْ عَمْرِهِ!
(٢) اسْتَفَادَ الْمَهْلَسُونَ اَكْثَرَ مِنْ عَشْرَةِ اَطْنَانٍ مِنَ الدِّيْنَامِيْتِ لِنَشْرِ الْقَتْلَوَاتِ!
(٣) اِنَّ السَّنَكُوْتِ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ، اِنَّهُمَا مَفِيْدَانِ فِي وَقْتِهِمَا!
(٤) تَأْتِيْزُ اَوْزَانِ الْاَشْعَارِ فِي بِلَاغَةِ الْاَبْيَاتِ الشَّعْرِيَّةِ كَثِيْرًا!

٤٨- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي بِنَاءِ الْمَجْهُولِ:

- (١) عَرُوْضُ الْبَاتِعِ الْاَلْبَاسِ لِي اَمْسُ ← عَرُوْضُ الْاَلْبَاسِ لِي اَمْسُ!
(٢) اَخْلَقَ الْكَلِمِيْدُ بَابَ الصَّنْفِ بِهَدْوٍ ← اَخْلَقَ بَابَ الصَّنْفِ بِهَدْوٍ!
(٣) يَرْشِدُ الشَّرْطِيُّ الْمَوْاطِنِيْنَ فِي الشُّوَارِعِ ← يَرْشِدُ الْمَوْاطِنِيْنَ فِي الشُّوَارِعِ!
(٤) يَسْتَعْمَلُ رُكَّابُ السُّوَارَاتِ حَزَامَ الْاَمَانِ لِلتَّمَلُّمَةِ ← يَسْتَعْمَلُ حَزَامَ الْاَمَانِ لِلتَّمَلُّمَةِ!

٤٩- عَيْنُ كَلِمَةِ « اَلْفُضْلُ » صِفَةً:

- (١) مَا لَقِئْتُمُ اللّٰهَ لِلْعِبَادِ شَيْئًا اَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ!
(٢) مَنْ اَعْطَى وَقْتًا الْحَاجَةَ كَانَتْ عَطِيَّتُهُ اَفْضَلَ اِعْطَاءً!
(٣) مَنْ اَخْلَصَ لِهٖ اَعْمَالُهُ، ظَهَرَتْ اَفْضَلُ الصِّفَاتِ فِي قَلْبِهِ!
(٤) يَجِبُ عَلَيْنَا اَنْ نَسْتَفِيْدَ مِنْ اَخْطَائِنَا فِي هَذَا الْيَوْمِ بِاَفْضَلِ طَرِيْقَةٍ!

٥٠- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاقَاتِ: « يَا ...، ... زَمِيْلَكَ فِي الْمَصَاعِبِ، وَ يَا ... رَاقِبِ صَدِيقَكَ فِي كُلِّ حَالٍ! »

- (١) صَدِيقٌ - سَاعِدِيْنَ - زَمِيْلِي
(٢) صَدِيقٌ - سَاعِدٌ - زَمِيْلِي
(٣) صَدِيقِي - سَاعِدِي - زَمِيْلِي
(٤) صَدِيقُو - سَاعِدِي - زَمِيْلِي

تحلیل تست ها کنکور ۱۴۰۱ - بخش عمومی .

مدرس : زهرا موسوی زند .

جواب سوال ۱۳۸ : شماواث اسم جمع است پس باید در ترجمه جمع معنی شود . (ردگزین ۱-۳)
هذا اسم اشاره منفرد مذکر است باید این توجه کنیم (ردگزین ۴)
اجواب این تست (ردگزین ۲) است .

جواب سوال ۱۳۹ : لا علم : اسم لای نفی جنبی است باید در ترجمه به صورت هیچ نیست
توجه شود . (ردگزین ۲-۴) . مله مشاغل : اسم مفعول و جمع است (ردگزین ۲-۳-۴)
در ترجمه فعل آینده می بینیم در حالی که برای آینده در عربی نیاز به (سب) و (سوف) داریم ولی در جمله
عربی نیامده (ردگزین ۳-۴) * جواب این تست (ردگزین ۱) است

جواب سوال ۱۴۰ : فعل مبتدی یعنی شروع می شود (ردگزین ۳) . حیاه : یعنی زنده شدن و بدون ضمیر است
(ردگزین ۱) . تدریس معنی درس می دهد و معلوم است (ردگزین ۱ و ۲)
* جواب این تست (ردگزین ۴) است .

جواب سوال ۱۴۱ : لسان لاین : ترکیب وصفی است معنی زبانی نرم یا یک زبان نرم
(ردگزین ۱-۳) . عود : عادت بده فعل امر است . (ردگزین ۱ و ۴) . لیس تک به علم :
معنی به آن علم نداری (ردگزین ۱-۳-۴)
اجواب این تست (ردگزین ۲) است

جواب سوال ۱۴۲ : فعل كانت تکلیف : ترکیب فعل ماضی + مضارع = ماضی استعاری .
(ردگزین ۴) . استطاعت معنی توانست (ردگزین ۴-۲) . بحثاً البحری : ترکیب اضافی
و وصفی است باید به صورت ۱-۳-۲ ترجمه کرد یعنی اول بحث + البحری + نا . یعنی ضمیر
در آخر ترجمه می شود (جمله دریاها) (ردگزین ۳-۴)
اجواب درست تست (ردگزین ۱) است .

جواب سوال ۱۴۳ : هناك اول جمله عربی همیشه به معنای (وجود دارد) است (ردگزین ۲)
وهی هیچ : یعنی واو زنده است . (ردگزین ۲-۴) الالتفافی یعنی پیچیدن (ردگزین ۱-۲)
اجواب درست تست (ردگزین ۳) است .

جواب سوال ۱۴۴ : شده آف من الافطار : میوه خزاران سرد اندیش است . (ردگزین ۱-۳)
متظرن خضلا د یعنی منتظران ماضی را به صورت نکره (ردگزین ۲-۳)
اجواب درست تست (ردگزین ۴) است .

جواب سوال ۳۳: گزینه ۴ - می ترسید تا بگریزم سخن حق را از افراد این استباه است .
توجه درست - کلمه حق را از هر شخصی بگیریم . (سایر گزینه ها درست تر بوده است)
جواب درست (گزینه ۴) است

جواب سوال ۳۴: در گزینه اول کلمه یعنی نامیده می شود در گزینه ای گفته شده است :
می نامیم . برای ترجمه می نامیم باید فعل در صیغه ی ۴ مفارع باشد .
جواب درست (گزینه ۱) است .

جواب سوال ۳۵: برای حل اینگونه سئو ها نیز مانند بالا به افعال / نکره و معرفه / توان / غیر
توجه می کنیم . خورشید اسم معرفه و مفعول است (رد گزینه ۳-۴) . شماره ای اسم نکره است
(رد گزینه ۱-۲) . او جود معنی ایجاد کرده است (رد گزینه ۱-۴) . کسیت آنکه : من ذا الذی
جواب درست (گزینه ۲) است .

ترجمه درک مطلب : قطعاً یک عمل صالح صادر می شود از انسان که حقاً دلائق نمی زند
بر فاضل بودن آن فرد . زیرا خویش در مردم فرض شده و خودش بر خلق و خود او است نه
آنکه خود را به خویش معرفی می کنند . پس هر کس خلق و خویشش بیکو باشد : اخلاصش بر
احمالش منعکس می شود پس اعمالش از آثار خویش خالی نمی شود . نفس الهی به تمایل به نیکی دارند
ارتکاب به بدی ها برایشان راحت نیست بلکه دوست دارد با دستش آنچه که به مردم سود می دهد
و آنرا می طلبد یا نه بیفکند و برایشان مهم نیست که خیر خیراتش بخش شود یا نه .
زیرا او خودش را با دوست داشتن خیر پرورش داده است .
مرد در این زمینه مومنان را که خیر انجام می دهند می بینیم پس برخی از آنها به اعمالشان همچون
تجارت نگاه می کنند . پس به وسیله آن کسب سود را می خواهند ، برخی دیگر از صدر و ترس می ترسند
و از آتش محنت دوری می کنند . ولی جماعتی دیگر وجود دارد و آنرا چه بقدرشان کم باشد و کس آنها
خیر را به خاطر نیکی انجام می دهند نه تفضل (بتری یا غن) پس منبع نیکی آنها قلب ها با ایمان
آنها است .

جواب سوال ۳۶: اهدف از متن چه بود ؟ برای بیان هدف ، عینه باید به آخر متن رجوع کنیم
و هدف کلی را در نظر بگیریم .

- گزینه ۱ - ناپسند کردن بدی ها و زیانناک شدن خویش ها
 - گزینه ۲ - تشویق مردم به کار نیکی
 - گزینه ۳ - کاهش درخت خویش در قلب انسان
 - گزینه ۴ - بیان عاقبت و هدف خویش و بدی در کار انسان
- جواب درست (گزینه ۳) است

• **جواب سوال ۳۷:** مفقوم عبارت صدمت سوال این است که کار خیر در خلق و خوی فرد باشد
 گزینه ۱ - هیچ فایده ای در اجبار دیگران برای انجام کار نیک نیست کم آن به زمین صالحی نیاز دارد.
 گزینه ۲ - اگر کار خیر واجب است در ظاهر انسان باشد.
 گزینه ۳ - بفرمایید خوب اگر چه در خلقت نباشد پس معصوم تازه ای نمودن
 گزینه ۴ - چه بسا خود را به خوبی بجا رکنی پس هم لذتی در آن نیست.
*** جواب درست گزینه ۱ است.**

• **جواب سوال ۳۸:** منع تسلیف هویمان به کار خیر نباشد.
 گزینه ۱ - شهرت بین مردم
 گزینه ۲ - رسیدن به ثواب
 گزینه ۳ - ترس از جهنم
 گزینه ۴ - وجود خالصی آفت
*** جواب درست گزینه ۱ است.**

• **جواب سوال ۳۹:** هرگز نیستی که مناسب با حق نیست.
 گزینه ۱ - از مردم غیر از سده شرف و طیبیت آنها راضی نباشی
 گزینه ۲ - اگر عمل بروقتی که بر آن زبان نیست تسلیف کند بر چهار دلالت نمی کند
 گزینه ۳ - نفس باید زیبا انجام دهد و خداوند آن را دوست دارد.
 گزینه ۴ - اگر مردی در روزی ادستی تولید و علم بی کار تولید پس آن از عمرش نیست
*** جواب درست، گزینه ۲ است.**

• **جواب سوال ۴۰:** فعل هارا اگر من خواهی تحلیل کنی حتما به بخش اول جواب نگاه کن!
 فعل انتشرت - اگر در فعلی بعد از (ن) (ت) باید پس حتماً باب افتعال است
*** جواب درست، گزینه ۲ است.**

• **جواب سوال ۴۱:** شاهد - فعل آن سخن مستدر در صیغه ۱۴ مضارع است و باب
 فاعله و مفعول آن المؤمنین است که منصوب به (بن) است.
*** جواب درست، گزینه ۴ است.**

• **جواب سوال ۴۲:** العیال؛ اسم مبالغه و مفرد مؤنث و معرفه به ال است.
 اما العیال صفت طهر النفس است و خیر ال من باشد
*** جواب درست، گزینه ۳ است.**

جواب سوال ۴۳: فعل تَقَلَّبْتُ از باب تَفَعُّلِ می آید و عین الفعل آن در مضارع باید
کسره بگیرد نه فتحه

جواب درست (گزینہ ۱) است.

جواب سوال ۴۵: قسمت اول تزیین می شود آرا از آنچه که دوست داری بیطی نیست به
دست می آوری. اما قسمت دوم تزیین می شود چیزی را که اصلاً وجود ندارد در موردش صحبت
کنی!

جواب درست (گزینہ ۱) است.

جواب سوال ۴۶: الغفاش اسم پزیده است / غساله: اسم مبالغه / الغوالحه: میوهها
الزوار: زیارت کنندگان به صورت جمع /

جواب درست (گزینہ ۲) است - یعنی از دوستانم دستهای را بسیار می شستید در حالی که
مکان می کرد تمیز نشد است.

جواب سوال ۴۷: باید دنبال اسم جلسی بگردیم که (ان) نشانه رفع باشد.

زحانی اسم مرفوع است که یا خبر باشد یا مبتدا.

گزینہ ۱ - عدد انسان: ترتیب اضافی و مجرور است

گزینہ ۲ - عن غسلة اطنان: ترتیب اضافی و مجرور است

گزینہ ۳ - انما مفیدان / مفیدان خبر صا (مبتدا) می شود و مرفوع

گزینہ ۴ - تأشیر اوزان: ترتیب اضافی و مجرور است

جواب درست (گزینہ ۳) است.

جواب سوال ۴۸: تزیینی درست در مجهول کردن

گزینہ ۱ - عَوْضٌ : عَوْضٌ

گزینہ ۲ - اَخْلَقُ : اَخْلَقُ

گزینہ ۳ - المَواطِنُ : المَواطِنُ (نائب فاعل باید مرفوع باشد)

گزینہ ۴ - يُسَعِّلُ : يُسَعِّلُ

جواب درست (گزینہ ۲) است.

جواب سوال ۴۹: افضل صفت باشد

گزینہ ۱ - افضل به معنای بهتر است صفت است

گزینہ ۲ - افضل خبر کان است

گزینہ ۳ - افضل فاعل است

گزینہ ۴ - افضل مجرور به حرف جر

جواب درست (گزینہ ۱) است.

جواب سوال ۵۰

حرف ندا باید مفادا بہ صورت (ی - ئے - ے) بیاید مثل یا صدیقی، یا صدیقی، یا صدیقی۔
یا صدیقی۔ (رد نمبر ۱)۔ فعل افتخروکے مذکر امت میں بیاید اسم ندا بہ صورت مفرد مذکر بیاید۔
سنا بعد (رد نمبر ۲)۔ اسم ندا بہ صورت زعمیل - زعمیلین - زعمیل میں آئید (رد نمبر ۳)
جواب درست (نمبر ۲) امت۔

